

شریعت، حکومت اسلامی و حقوق بشر
گفتار ششم

شریعت و مسئله عدالت

مهدی خلجی

سپیده دم تجدد در ایران، قانون و عدالت

● « [مخالفان روحانی مشروطیت] مساوات در قوی و حقوق و سایر نوعیات را ... به صورت مساوات مسلمین با اهل ذمه در ابواب توارث و تناح و قصاص و دیات اش درآوردند، و بلکه مساوات اصناف مکلفین، مانند بالغ و نابالغ، و عاقل و مجنون، و صحیح و مریض، و مختار و مضطر، و مؤسر و معسر، و قادر و عاجز الی غیر ذلک از آنچه اختلاف آنها منشأ اختلاف تکالیف و احکام و به داستان مشروطیت و استبداد از فلک اطلس ابعد است، را هم از مقتضیاتش شمردند! این همه جانبازی‌های عقلا و دانایان و غیرتم‌ندان مملکت، بطبقاتهم من العلماء و الاخیار و التجار و غیرهم، در استنقاذ حریت و مساوات‌شان، برای فرستادن نوامیس خود بی حجاب به بازار، و مواصلت با یهود و نصاری، و تسویه فیما بین امثال بالغ و نابالغ و نحو ذلک در تکالیف، و بی مانعی فسقه و مبدعین در اجهار به منکرات، و اشاعه کفریات و اشباه ذلک نخواهد بود،»

● تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملء، محمد حسین نائینی

عدالت در نظام فقهی-اخلاقی اسلام

دو گونه عدالت مبنای تقسیم‌بندی حق الله و حق الناس:

عدالت در روابط انسان‌ها با یکدیگر: در قرآن تعریفی از عدالت نیست؛ مواردی ذکر شده که در آن به مؤمنان توصیه شده عادل باشند: به مردان چندهمسر، شاهد، در کمک کردن به یتیمان و اقربای و مانند آن. عدالت در قضاوت و نقد نظام قضائی پیش از اسلام: «افحکم الجاهلیه بیغون» (سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۵۰) بخشی از این مربوط به انتقال مسئولیت ارتکاب جرم فرد از قبیله به خود فرد است. یکی از دستاوردهای مهم محمد با این تازه.

عدالت در رابطه‌ی انسان با خدا: «ان الشکرَ لَظلمٍ عظیم.» - «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»

خدای آفریدگار، مانند پادشاهی مطلق بر جهان فرمان‌می‌راند به یاری فرشتگانی که میان زمین و آسمان در رفت‌وآمدند. آفرینش خدا، هر چیزی را در «جای خود» قرار داده است:

«و خلق الله السموات و الارضَ بالحقِّ و لتُجزى كلُّ نفس بما کسبت و هم لا یظلمون» (جاثیه، ۲۲) عدالت در این معنا با صفت «حکمت» خداوند خویشاوند است. «و نضع الموازینَ للقسط لیومِ القیامه فلا تُظلمُ نفس شیئاً» مفسران «حق» را در بسیاری آیات «عدالت» معنا کرده‌اند.

عدالت در شهر (polis) هیچ وقت دل‌مشغولی متألهان اسلامی نبود. حاکم یا عادل است یا عادل نیست. عدالت درباره‌ی نظم سیاسی یا قوانین موضوع بحث آن‌ها نبوده است.

عدل؛ نظم پیشینی کیهان و جهان انسانی

علی بن ابیطالب:

«العدل یضعُ الامور مواضعها»

رابطه‌ی انسان و خدا - عبد و ربّ

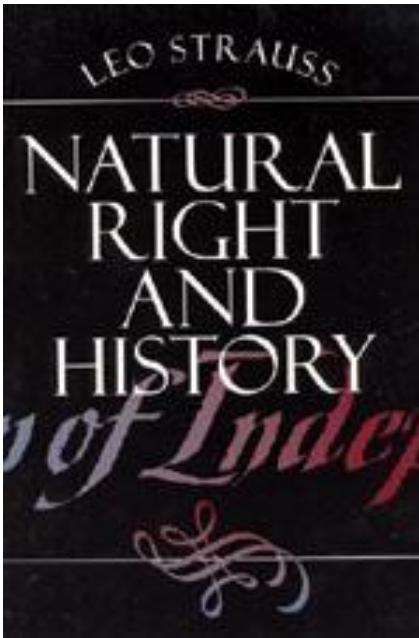
در فقه و الاهیات اسلامی، چیزی به نام «حق طبیعی» وجود ندارد؛ حقی که انسان از جهت انسان بودن دارد و هیچ کس، نهاد یا اقتداری (از جمله اقتدار دین و سنت) نمی‌تواند آن را نقض کند یا نادیده بگیرد.

مفهوم حق طبیعی، پایه‌ی اصلی نقد مشروعیت الاهی پادشاه در عصر روشن‌گری است و نیز مبنای مفاهیم و مقوله‌هایی چون «قرارداد اجتماعی، حقوق وضعی، جمهوری و دموکراسی و حقوق بشر».

ابداع مفهوم حق طبیعی بدون ابداع مفهوم «طبیعت» ممکن نبود. مفهوم دنیا و آخرت در ادبیات دینی ربطی به مفهوم فلسفی «طبیعت» ندارد: مفهومی که شالوده‌ی آن تمایز میان طبیعت / و جز طبیعت است. پیش از این تمایز هر چه از پیشینیان به ارث رسیده «خیر»/«خوب» است و سنت‌ها همه طبیعی‌اند. پیشینیان به خدا نزدیک‌ترند. قدیم، مشروعیت دارد. «پیدایش مفهوم حق طبیعی، تردید در اقتدار را مفروض می‌گیرد.»

Leo Strauss , Natural Right and
History, p. 84

www.tavaana.org



عدالت در فقه

- ملکه‌ای نفسانی که مؤمن را با تقوا نگاه می‌دارد
- معادل مروت: ترک اموری که باعث بیزاری انسان‌ها از یک شخص می‌شود، برخی مباح‌ها را دربرمی‌گیرد و نیز امور مکروه و حرام
- انجام دادن واجبات و ترک محرمات؛ ترک مطلق گناهان کبیره و عدم تکرار نکردن گناهان صغیره
- معادل مسلمانی و عدم تظاهر به فسق
- حسن ظاهری و ظاهرالصلاح بودن (برخی گفته‌اند دو مورد اخیر راه تشخیص عدالت است نه خود آن)

چه کسانی در فقه باید عادل باشند؟

امام جماعت، مستحق زکات، نایب حج، شاهد طلاق، وصی، ناظر وقف، وکیل شرعی، - قاضی، کاتب قاضی، مقسم و مترجم، مرجع تقلید

عدالت حاکم اسلامی

نمونه‌ی اعلای حاکم، پیامبر است، معصوم و متصل به وحی. جانشین او (غیر از امامان در نظر شیعه)، رهبر امت اسلامی چون معصوم نیست، باید عادل باشد. عدالت به معنای توانایی درونی (ملکه‌ی نفسانی) که در روح آدمی راسخ شده و باعث می‌شود او پرهیزکار باشد و نفس را از ارتکاب گناه کبیره و تکرار گناه صغیره بازدارد.

عن ابي جعفر (ع) قال: «قال رسول الله (ص): لا تصلح الامامة إلا لرجل فيه ثلاث خصال: ورع يحجزه عن معاصي الله، و حلم يملك به غضبه، و حسن الولاية على من يلي حتى يكون لهم كالوالد الرحيم.»

پیامبر گفت: امامت (رهبری سیاسی) تنها شایسته‌ی مردی است که سه ویژگی دارد: تقوایی که او را از ارتکاب معصیت الهی بازدارد، حلمی که او را بر خشم‌اش چیره کند و خوش رفتاری با کسانی که تحت حکومت او هستند، مانند پدری مهربان.»

کشف مدرن «بدن»، حق و قانون

درک فلسفی-علمی مدرن از تن

دانش ژنتیک، بهداشت، عصب‌شناسی،
Neuroscience

Neurophilosophy روان‌پزشکی و

Psychopharmacology، تکنولوژی مربوط به

کنترل نسل یا بچه‌دار شدن بدون سکس، صنعت زیبایی،

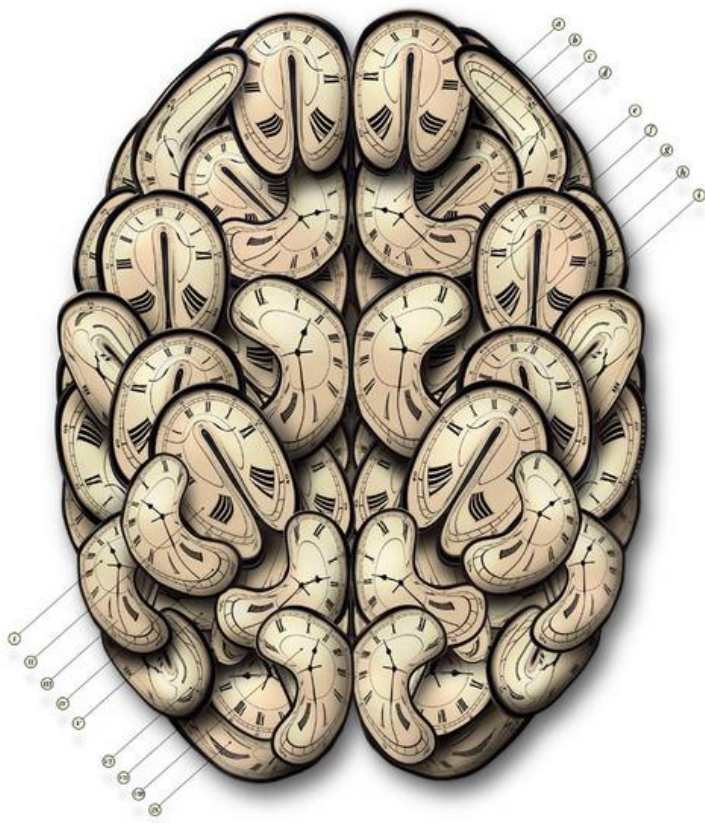
ورزش، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی

(انترپولوژی) و تاریخ‌نگاری بدن، رادیکال

شدن میل و مفهوم آزادی بدن، همه معنا و مفهوم انسان،

اراده، انتخاب و حق او را از بُن دگرگون کرده است.

مسأله‌ی زن مسأله‌ی تن است.



حقوق معنوی

- اختصاص - این مطلب به پروژه توانا مربوط به سازمان E-Collaborative for Civic Education اختصاص دارد و استفاده از آن می بایست با ذکر نام سازمان تهیه کننده انجام شود.
- غیر تجاری - این مطلب برای استفاده های غیر تجاری می باشد و برای هیچ گونه منفعتی بهره برداری نخواهد شد.
- اشتراک - اگر می خواهید هر گونه تغییری در مطلب وارد کنید، شما می توانید حاصل کار را تنها تحت مجوز E-Collaborative for Civic Education منتشر کنید و برای ایجاد بدنه اصلی اطلاعات، این تغییرات را باید با E-Collaborative for Civic Education به اشتراک گذارید.

